

ارزش‌های مندرج در مطبوعات: مقایسه انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی

دکتر مهدی محسنیان راد*

تاریخ دریافت: ۸۷/۹/۱۷

تاریخ پذیرش: ۸۸/۲/۶

چکیده

مقاله با تکیه بر آن که در هر دو انقلاب مشروطیت و اسلامی، کاهش قدرت مرکزی منتهی به رشد فزاینده تعداد روزنامه‌ها شده است، از طریق تحلیل محتوای سرمقاله نخستین شماره روزنامه‌های تازه انتشار در دو مقطع ۱۹۱ روزه از انقلاب مشروطیت و ۶۱۴ روزه از انقلاب اسلامی و با تکیه بر تعبیری از مفهوم ارزش که از نمونه تعاریف منعکس در منابع ۱۹۴۶ تا ۲۰۰۸ استخراج شده، جستجوگر تفاوت‌ها و

شباهت‌های دو انقلاب شد. نتایج نشان داد که در هر دو انقلاب پیرامون این امر که چه چیزی بد و نامطلوب است، توافق بیشتری از چه چیزی خوب و مطلوب است وجود داشته، با این تفاوت که تعدد و تنوع ارزش‌های منفی در انقلاب اسلامی به مراتب بیش از انقلاب مشروطیت بوده است. به عبارت دیگر، در انقلاب اسلامی، بیش از انقلاب مشروطیت به ارزش‌های منفی توجه شده و انقلاب اسلامی بیشتر از انقلاب مشروطیت متمرکز بر بیان نخواست‌ها بوده تا خواسته‌ها.

در انقلاب مشروطیت، شیفتگی به تجدد غربی و در انقلاب اسلامی، نفرت از تجدد غربی دیده شد. در انقلاب اسلامی، ارزش‌گزاری مثبت به رهبری انقلاب، از مقوله‌هایی بود که اختلافی در باره آن میان اکثر گروه‌ها وجود نداشت؛ در حالی که در انقلاب مشروطیت، هیچ فردی چنین پایگاهی نداشت. در انقلاب مشروطیت در مورد ارزش مثبت دانستن دانش، دانشمند و تخصص، اختلافی نبود و در انقلاب اسلامی در مورد پایین بودن سهم این ارزش‌ها اختلافی وجود نداشت. در انقلاب اسلامی، همه گروه‌ها در نگاه منفی به شاه و نظام سلطنتی توافق داشتند؛ حال آن که در مشروطیت، نگاه منفی نسبت به سلسله قاجار متمرکز بود، نه نظام سلطنتی؛ آن چنان که شاهان باستان و شکوه و عظمت گذشته آنان برای ملت تحقیر شده آن روزگار ایران، ارجمند بود.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌ها، انقلاب اسلامی، انقلاب مشروطیت، مطبوعات

مقدمه

جامعه ایران، به فاصله ۷۰ سال، دوبار در شرایط انقلاب قرار گرفت و مسیر تاریخ کشور را تغییر داد. هر دو انقلاب به فرار شاه منتهی شد، دولتی موقت بر سر کار آمد و هر دو انقلاب مورد هجوم قوای ارتش همسایه قرار گرفت.

از روز پیروزی انقلاب مشروطیت تا حمله ارتش روس به ایران ۸۹۱ روز و از پیروزی انقلاب اسلامی تا حمله گسترده ارتش عراق به ایران ۶۱۵ روز گذشت. در این دو فاصله، صدها گروه، حزب و انجمن در کشور پای گرفت؛ گروه‌هایی با باورهای متفاوت و در مواردی در تضاد با یکدیگر. آن‌ها با استفاده از شرایط آزادی بیان و هرج و مرج حاکم بر هر دو مقطع، و به منظور تبلیغ ارزش‌ها و ارزش‌گذاری‌های خود و

نیز افزایش تعداد وابستگان به این ارزش‌ها، دست به انتشار روزنامه‌هایی زدند که سبب شد در هر دو مقطع تاریخی، منحنی تعداد روزنامه‌های کشور یک باره به نحوی چشمگیر صعود کند. این احزاب، سازمان‌ها و گروه‌ها، در سرمقاله‌های همان نخستین شماره روزنامه خود، ارزش‌های خویش را مطرح و تبلیغ می‌کردند و مقاله حاضر تلاشی است برای ترسیم سیمایی از این ارزش‌ها.

مساله و هدف

انقلاب، یکی از انواع جنبش‌های اجتماعی (Social movement) است که چهار خصیصه بارز دارد: (۱) تعداد قابل توجهی از مردم با رفتارهایی جمعی و توده وار در آن شرکت می‌کنند؛ (۲) این مشارکت با هدف مشترک ایجاد تغییرات اجتماعی کامل و اساسی صورت می‌گیرد؛ (۳) برخوردار از درجاتی از رهبری و سازمان دهی است و (۴) فعالیت‌هایی که تقریباً متضمن صرف مدت نسبتاً طولانی است انجام می‌شود. در واقع، انقلاب بیش از هر جنبش دیگری از تداوم برخوردار است و بیشترین تغییر اجتماعی را به دنبال دارد (Shepard, 2007: PP.543-4). و به دنبال تغییر ناگهانی، سریع، غیر معمول و شدید در یک سیستم اجتماعی است (Horton, 1984: P 502).

باتومور، علل اساسی جنبش‌های انقلابی را همان‌گونه که مارکس مطرح کرده، تعارض منافع، خاصه میان طبقات اجتماعی می‌داند (باتومور، ۱۳۵۶: ۲۵۴) اما هربرت مارکوزه می‌گوید انقلاب اجتماعی دیگر تنها ناشی از تضادهای طبقاتی نیست و به میزان زیادی از تضادهای فکری و روانی نیز ناشی می‌شود (ادیبی، ۱۳۵۸: ۱۴۴).

ارزش‌ها یکی از مقوله‌هایی است که انقلاب‌ها در تلاش تغییر آن‌ها هستند. هانتینگتون می‌نویسد: یک انقلاب، متضمن تغییرات شدید، کامل و سریع ارزش‌ها، ساخت اجتماعی، نهادهای سیاسی خط مشی‌های حکومتی و رهبری سیاسی و اجتماعی است (Huntington, 1968: P 344).

به نظر می‌رسد که این تغییرات سریع، در اکثر انقلاب‌ها در مسیر سیکلی مشخص اتفاق می‌افتد. نخستین تلاش برای ترسیم این سیکل را لی فورد ادواردز (L. F. Edwards) در ۱۹۲۷ در کتابی با عنوان «تاریخ طبیعی انقلاب» دنبال کرد. کرین بریتون (C. Brinton) در ۱۹۳۸ در کتابی با عنوان «آناتومی انقلاب» و پاتریشیا سالرت (P. Salert) در ۱۹۷۶ در کتاب «انقلاب و انقلابیون» و کلود ولچ (C. Welch) در ۱۹۸۰ در کتاب دیگری با همان عنوان «آناتومی انقلاب» کوشش کردند چارچوب و سیکل مشترکی را در انقلاب‌ها ترسیم کنند. پائول هورتون ضمن اشاره به تلاش‌های فوق، سیکل انقلاب‌ها را با اشاره ای گذرا به انقلاب اسلامی، چنین توضیح داده است: (۱) رشد نارضایتی و فرسایش پشتیبانی از سوی رژیم؛ (۲) افزایش شورش و بلوا، مقابله حکومت و توسعه عجز و ناتوانی حکومت، علی‌رغم سرکوب شدید و تند مردم؛ (۳) سرنگونی حکومت؛ (۴) تشکیل حکومت موقت ملایم و به فاصله اندکی، سرنگونی آن بر اثر رقابت انقلابیون در دستیابی به قدرت؛ (۵) فرمانروایی تندروها و افراطیون؛ (۶) ترور و سرکوب خشن از سوی آن دسته انقلابیون که قدرت را از دست رفته می‌بینند؛ (۷) تهاجم بیگانگان، مانند تهاجم به انقلاب‌های فرانسه، آمریکا، روسیه و ایران، به منظور پایان دادن به انقلاب؛ (۸) مقابله قوای نظامی انقلاب در برابر تهاجم و (۹) بازگشت اتفاقی به ثبات که این مورد همیشه روی نمی‌دهد (Horton, 1984, P: 503).

به نظر می‌رسد سیکل‌های مطرح شده از سوی هورتون، در انقلاب مشروطیت نیز قابل مشاهده است. رشد نارضایتی و افزایش شورش و بلوا به جنگ‌های خیابانی توده‌های مردم با قوای نظامی محمد علی شاه قاجار منتهی شد و سرانجام روز ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ انقلابیون بر قوای نظامی پیروز شدند، شاه به سفارت روسیه پناهنده شد و انقلاب به مرحل سوم رسید. یکماه بعد، روز ۱۷ اوت، چریک‌های فاتح تهران به ازای هر ۱۰۰ نفر، ۳ نفر را انتخاب و جمعیت مذکور نیز از میان خود ۱۲ نفر را به عنوان هیات مدیره «انجمن فوق العاده ملی» یا همان شورای انقلاب برگزیدند. این شورا دو هفته بعد اعلام عفو عمومی کرد (مرحله چهارم). هشت ماه بعد، مرحله پنجم روز اول مارس ۱۹۱۰ با

اختلاف در شورای انقلاب و استعفای دو تن از رهبران از این شورا آغاز شد. فشار تندروها سبب شد که دولت موقت، روز ۳ اوت ۱۹۱۰ اعلام حکومت نظامی کرد و به چریک‌های مسلح که در پیروزی انقلاب سهم قابل توجهی داشتند امر شد اسلحه‌های خود را تسلیم کنند. مرحله ششم، چهار روز بعد به وقوع پیوست و در درگیری مسلحانه قوای دولت موقت با انقلابیون، ۳۰ تن از انقلابیون کشته و ۳۳۰ تن زخمی شدند. که دو تن از رهبران انقلابی، ستارخان و باقرخان، جزو زخمی‌ها بودند. روز سوم اکتبر ۱۹۱۱ با آغاز پیشروی ارتش روسیه به سوی تهران، مرحله هفتم انقلاب مشروطیت آغاز شد (محسنیان راد، ۱۳۷۵: ۱۰۸-۹۳).

در طول مراحل چهارتا هفت هر دو انقلاب، گروه‌ها و احزاب نوپا، با استفاده از فضای باز سیاسی ناشی از سقوط استبداد، روزنامه‌هایی را منتشر کردند که حامل دیدگاه‌ها و نقطه نظرات آنان بود. در ۸۹۱ روز فاصله مرحله چهار تا هفت انقلاب مشروطیت، به طور متوسط هر یازده روز یک بار، روزنامه‌ای جدید منتشر شد (در انقلاب اسلامی هر ۲/۵ روز یک روزنامه جدید) که تقریباً تمامی آن‌ها نکات اصلی در مورد نفی گذشته و تلاش برای دستیابی به آینده مطلوب را در سرمقاله اولین شماره می‌آوردند و عملاً ارزش‌هایی را که به آن وابسته بودند، توصیف و در قالب آرمان‌ها، منعکس می‌کردند. مساله مقاله حاضر این است که ارزش‌های منعکس شده در روزنامه‌های تازه انتشار یافته در دو مقطع هر دو انقلاب حاوی چه ارزش‌هایی بوده و چه تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته است.

ارزش‌ها

پنجاه سال پیش، هارولد تی توس، در کتاب *تئوری ارزش*، نوشت: «مساله ارزش‌ها» یکی از مهم‌ترین سؤالات و شاید بتوان گفت مهم‌ترین سؤال این عصر است؛ هنوز یکی از پیچیده‌ترین مسائلی است که با آن مواجه هستیم. در این زمینه مطالعات متعددی انجام شده، اما هیچ توافق عمومی در پاسخ به این سؤال به دست نیامده است که ارزش

چیست؟ و ارزش‌ها چگونه معلوم و ثابت می‌شوند؟» (Titus, 1959: P 50). مشابه چنین بیانی را می‌توان در گفته‌سی بوگل نیز دید که می‌گوید «ارزش به عنوان یک بیان عمومی، حالتی غیرقابل تعریف دارد». اما طی دهه‌های گذشته در کنار چنین نگاهی، تلاش‌های متعدد و متنوعی برای دستیابی به تعریفی جامع و مانع برای ارزش انجام شده است.

از آن‌جا که کدگذاران روزنامه‌های دو انقلاب، با متونی مواجه بودند که با فاصله زمانی از یکدیگر منتشر می‌شد و تشخیص برخی ارزش‌ها برای کدگذاری که حدود هفتاد سال از آن دوره فاصله داشت - به دلیل کاهش شفافیت بخشی از ارزش‌ها - دشوار بود، دستیابی به «تعریفی عملیاتی» از ارزش، می‌توانست این مشکل را تا حدودی حل کند و روایی عملیات را افزایش دهد (مثلاً خواهیم دید که کدگذار، با شگفتی با سرمقاله‌هایی مواجه می‌شده که اگر چه سقوط استبداد سلطنتی قاجار را می‌خواست، اما در حسرت شاهنشاهی دوران‌های باستان بوده است) به همین دلیل کوشش شد به جای استفاده صرف از روش‌های ارائه تعریف عملیاتی (تعریف + ارائه مثال) از طریق مرور بر تعاریف به چنین تعریفی دست یابیم. در راستای چنین تدبیری، از میان مجموعه مقالات در دسترس، تعدادی انتخاب شد. سپس با طی مسیری که توضیح داده می‌شود، تعریف عملیاتی، تدوین و همراه با گزارش مسیر طی شده، در اختیار کدگذاران قرار گرفت. تعاریف انتخابی به ترتیب تاریخ مرجع به شرح زیر است:

- ۱- «مفاهیمی از آن چه مطلوب و نامطلوب است». (Lappier, 1946: 280).
- ۲- «هر آن چه محترم شمرده شود یا محترم شمرده نشود». (Hiller, 1947: 191).
- ۳- «آن چه مردم برای ابقا یا افزایش آن کوشش کنند». (Lundberg, 1947: 26).
- ۴- «ترکیبی از ایده‌ها و نگرش‌ها که طیف‌هایی برای رجحان غرض‌ها و اعمال مورد نیاز برای دسترسی به اهداف خلق می‌کنند». (Young, 1949: 110).
- ۵- «ظرفیت تمایل و آرزوهای انسان که میان همه ایده‌ها، تجربیات و اشیاء توزیع شده است» (Roucek, 1951: 268)

- ۶- «عنصری است از یک سیستم نمادین و دربرگیرنده معیار و ملاکی برای گزینش استاندارد از جهت‌گیری‌های باز و بهینه نسبت به موفقیت‌ها» (Parsons, 1951: 12).
- ۷- «هر چیزی از دل‌بستگی و تمایل در ذهن انسان» (Perry, 1954: 7).
- ۸- «آن چه که افراد به صورت الزام، عبادت، لذت و ... به آن تمایل دارند و می‌خواهند» (Williams, 1956: 375).
- ۹- «جهت‌گیری‌های گزینشی در حوزه‌هایی چون علایق، امیال، دل‌بستگی‌ها، برتری‌ها، وظایف، تعهدات اخلاقی، آرزوها، خواسته‌ها، نیازها، نفرت‌ها و بیزاری‌ها، کشش‌ها و جذبه‌ها و بسیاری از سوگیری‌های گزینشی دیگر» (Parker, 1957: 14).
- ۱۰- «در یک دید وسیع، هر چیز خوب یا بد یک ارزش است». (Pepper, 1958: 7).
- ۱۱- «اندیشه‌ها و تصورات از آن چه یک فرهنگ خاص به آن‌ها به عنوان خوب یا بد، متمایل یا غیرمتمایل توجه دارد» (Goode, 1966: 61).
- ۱۲- «ایده‌ها، هنجارها و اشیای مادی که در پی کنش‌های متقابل اجتماعی، عقاید و بازخوردهای روانی مساعد پیرامون آن‌ها جمع می‌شود و متکی به تجربیات مثبت است» (Willems, 1970: 297).
- ۱۳- «ارزش یک چیز عبارت است از بهای آن و یا مطلوبیت آن در مقایسه با چیزی دیگر» (Gillin, 1978: 177).
- ۱۴- «ادراکات جمعی از آن چه که در یک فرهنگ، خوب، مطلوب، سودمند و یا بد، نامطلوب و غیرسودمند پنداشته می‌شود» (Schaefer, 1983: 59).
- ۱۵- «ایده‌هایی در باره اینکه آیا تجربیات مهم است یا غیرمهم، و یا اینکه آداب و رسوم و حتی فکرها و کنش‌ها صحیح است یا غلط» (Horton, 1984: 63).
- ۱۶- «ایده‌هایی که ما در باره خوب یا بد داریم؛ خوب و بدی که نسبی است» (Myer, 1985: 13).

۱۷- «مفاهیمی نسبی که فرد آن‌ها را به چیزها، افراد، رویدادها و زندگی خود نسبت می‌دهد» (Burton, 1990: 13).

۱۸- «قضاوت در باره ویژگی‌های ادراک شده و سیر منتهی به هدف» (Sullivan, 1994: 328).

۱۹- «مفاهیم مشترک در این باره که چه چیزهایی خوب، صحیح، مقتضی، شایسته و مهم است» (Ferrante, 2008: P 63).

با مروری بر تعاریف فوق به نظر می‌رسد برخی از تعاریف، مانند شماره‌های ۱۳ و ۱۹ فقط مطلوب و خوب را ارزش دانسته و برخی مانند ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ «بد» را نیز ارزش گفته‌اند. برخی مانند تعاریف ۵، ۶، ۱۷، ۱۲، ۹، ۷ و ۱۸ بدون این که مستقیماً مرز را تعیین کنند، با واژه‌هایی چون تمایل‌ها، معیارها، جهت‌گیری‌ها، بازخوردها و قضاوت‌ها، به طور ضمنی هردو مقوله خوب و بد را ارزش گفته‌اند. بنابراین، در مطالعه حاضر می‌توان «جهت‌گیری مثبت یا منفی» را به عنوان بیان‌کننده مستقیم و غیر مستقیم خوب و بد که در برگیرنده اکثر این تعاریف است انتخاب و با توجه به نسبی بودن ارزش، آن را به صورت جهت‌گیری انتخابی بیان کرد.

تعریف شماره ۱۷، به وضوح فاعل جهت‌گیری را فرد دانسته، اما بیشتر تعاریف با به کار بردن واژه‌هایی چون افراد، ادراکات جمعی و فرهنگ به طور ضمنی فاعل جهت‌گیری را جمع دانسته‌اند. هاتسفلد بدون این که فردی بودن ارزش را رد کند تأکید کرده که ارزش‌ها به تنهایی توسط افراد نگهداری نمی‌شوند، بلکه قلمرویی جمعی دارند. (Hofstede, 2007: 5).

در برخی تعاریف، مانند ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، به نشانگاه جهت‌گیری گزینشی توجه شده و همان طور که در تعاریف ۱، ۲، ۳، ۷، ۱۰، ۱۳ و ۱۴ آمده، این نشانگاه می‌تواند «هرچیز» باشد که محصول نسبی بودن ارزش است که در تعاریف ۱۶ و ۱۷ به صراحت از آن یاد شده است.

برخی تعاریف مانند شماره ۷، ارزش را حاصل معیارهای ذهنی فاعل جهت‌گیری گزینشی دانسته، نه صفات ذاتی آن چه که ارزش دارد. اما در برخی دیگر - به ویژه شماره ۱۳ - به خصایص خود موضوع توجه شده است. این که ارزش حاصل کدام یک از این دو - معیارهای ذهنی فاعل جهت‌گیری گزینشی یا صفات ذاتی آن چه ارزش دارد - موضوع بحثی است دیرینه که از پاسخ‌های قابل تعمقی که به آن داده شده، سخنان امیل دورکیم در نشست ۱۹۱۱ کنگره بین‌المللی فلسفه در بولونی است. دورکیم، داوری‌های ارزشی را به سه دسته تقسیم کرده است: (۱) داوری‌های ارزشی که درون هستی داور است (مانند شیرینی را دوست دارم)؛ (۲) داوری‌های ارزشی که بیرون از هستی داور است. (مانند این انگشتر این مقدار می‌ارزد) و (۳) داوری واقعی (مانند اجسام وزن دارند). دورکیم با تکیه به چند مثال، نشان داده که الزامی به وجود ربطی منطقی میان داوری‌های ارزشی بیرون از هستی داور و درون هستی داور وجود ندارد. او می‌گوید یک بت که غالباً از توده‌ای سنگ یا تکه‌ای چوب ساخته شده و به خودی خود از هرگونه ارزشی بی‌بهره است، شیئی مقدس است یا یک پرچم جز تکه‌ای پارچه نیست، با این حال، سربازان بسیاری برای رها کردن آن، خود را به چنگال مرگ سپرده‌اند. دورکیم نتیجه می‌گیرد که هیچ شیئی پیش پا افتاده‌ای نبوده که در زمان ویژه‌ای از تاریخ، الهام بخش احساسات ستایش‌آمیز نگشته باشد. (دورکیم ۱۳۶۰: ۱۱۲ - ۱۲۰) رابطه‌ای که دورکیم میان زمان و ارزش‌ها مطرح می‌کند، بخشی از خصلت نسبت در ارزش‌هاست. ریچارد شفر در این مورد می‌گوید: «اگرچه اکثراً ارزش‌ها، به طور نسبی، به صورتی ثابت در طول زندگی یک فرد باقی می‌مانند، اما ممکن است عواملی چند [از جمله انقلاب] ارزش‌های یک فرهنگ را دستخوش تغییر کند (Schaefer, 1983: 59).

وقتی می‌گوییم تغییر ارزش‌ها، مقصودمان الزاماً نشستن یک ارزش جای ارزش دیگر (مانند نشستن ارزشی به نام «مستضعف» جای ارزش دیگری به نام «طاغوتی» در

سال‌های آغازین انقلاب) نیست، بلکه مقصود جابه‌جایی رتبه ارزش‌ها نیز هست. از نظر

مردم، ارزش‌ها رتبه‌های گوناگون دارند. ارزشی، در رتبه‌ای پایین‌تر و ارزشی دیگر در رتبه‌ای بالاتر نشسته است. این بالا و پایین بودن ارزش‌ها تابع مجموعه‌ای از عوامل است. مانند دوام و بقای آن و این که تا چه حد در قبول یا رد آن، ترویج و تبلیغ به عمل آمده باشد. افزون بر آن، هنگامی که استحکام اجتماعی (Social stability) از بین برود و یا جامعه دچار تغییر بنیادین شود، شرایطی به وجود خواهد آمد که به آن رتبه‌بندی مجدد ارزش‌ها (Value rescaling) می‌گویند. (Rescher, 1969: 112-113) در واقع به نظر می‌رسد که مهم‌تر از حضور یک ارزش در یک جامعه، رتبه و جایگاه آن ارزش در آن جامعه اهمیت دارد. در این مورد، فرانت با اشاره بر تحقیقی که در باره جایگاه ۳۶ ارزش در جوامع مختلف انجام شده نشان داده که وابستگی به ارزش‌های مذکور در تمامی جوامع مذکور قابل مشاهده است، اما آن چه سبب تفاوت است، تفاوت در جایگاه و رتبه ارزش‌های مذکور است؛ زیرا این رتبه‌بندی، بر بسیاری از حوزه‌های زندگی اجتماعی تاثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، اگرچه فردگرایی به عنوان یک ارزش، در هر دو جامعه آمریکا و کره جنوبی قابل مشاهده است ولی بالاتر بودن رتبه این ارزش در جامعه آمریکا سبب تفاوت در حوزه‌های بسیاری از زندگی این دو جامعه شده است (Ferrante, 2008: 63).

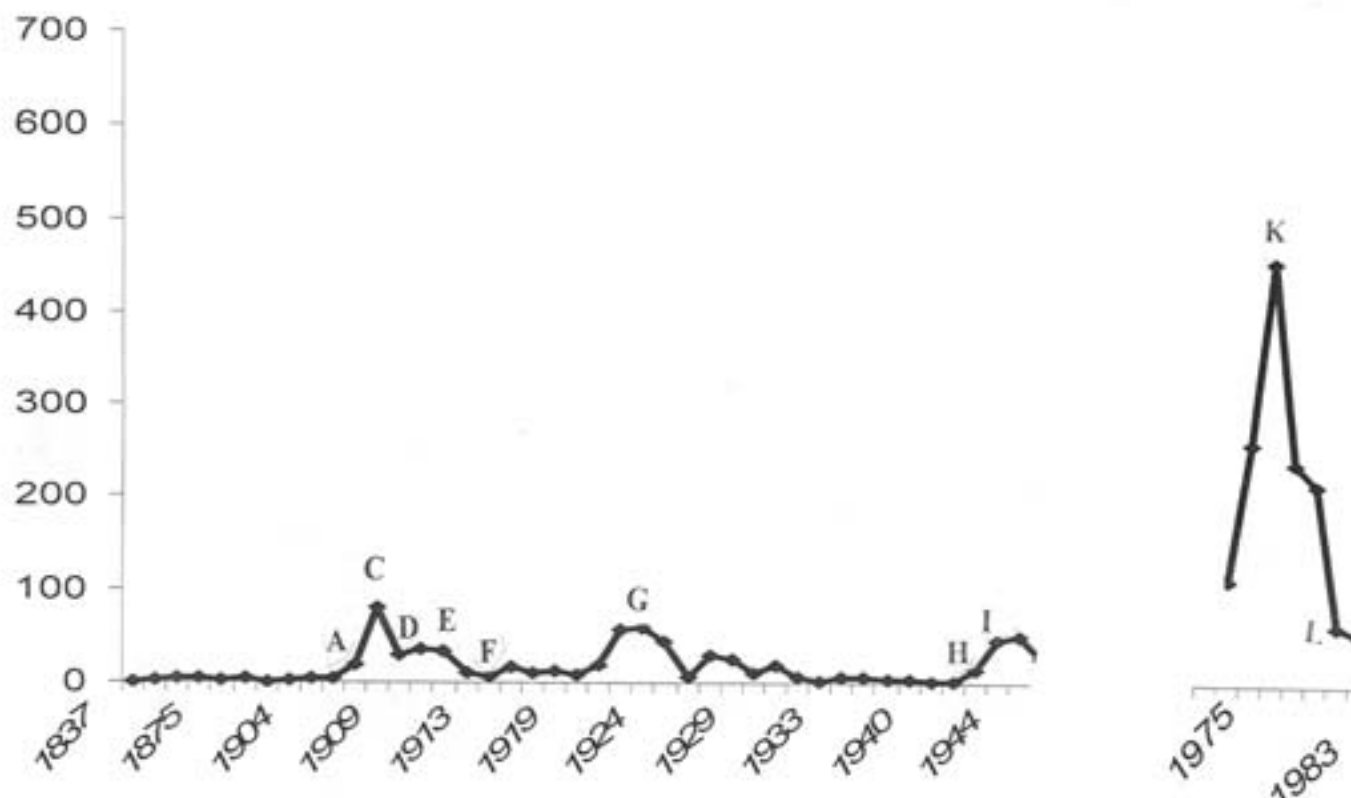
بدین ترتیب، بر پایه آن چه گفته شد، مقاله حاضر (۱) بدون نگاه متفاوت به ارزش و ارزش‌گذاری و در واقع بدون اینکه در جستجوی پاسخ این سوال باشد که آیا جهت‌گیری‌های گزینشی، ناشی از ذهن جهت‌گیر بوده یا ذات نشانگاه جهت‌گیری (۲) با تلاش برای دستیابی به رتبه‌ای که هر ارزش داشته و (۳) با پذیرش آن که بیان یک ارزش مشابه، همچون واژه «آزادی» الزاماً به مفهوم مشابهت تعریف و معنی مشابه در دو مقطع انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی نبوده، به این تعبیر رسید یا به عبارت دیگر در تحلیل محتوای خود، به تعریفی عملیاتی تکیه کرد که طی آن ارزش «هرنوع جهت‌گیری گزینشی مثبت یا منفی از سوی فرد یا جمع در باره هر چیز» بود.

مطبوعات دوران دو انقلاب

اگر انتشار نخستین شماره هر روزنامه را به عنوان یک واحد محسوب کرده و فراوانی روزنامه‌های هر سال را به صورت منحنی ترسیم کنیم، خواهیم دید که هر گاه از قدرت حکومت کاسته شده، تعداد روزنامه‌ها افزایش یافته است. منحنی روند انتشار روزنامه در ایران (نمودار ۱) طی سال‌های ۱۸۳۶ تا ۱۹۴۶ میلادی نشان می‌دهد که پس از امضای فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه (نقطه A در ۱۹۰۶) تعداد روزنامه‌ها رو به افزایش گذاشت و به نقطه B در ۱۹۰۷ (آغاز سلطنت محمدعلی شاه) رسید و سپس به نقطه بسیار چشمگیر C صعود کرد. با قدرت‌نمایی محمدعلی شاه و به توپ بستن مجلس و اعدام دو روزنامه‌نگار، صعود سریع مذکور تبدیل به یک نزول سریعتر شد تا منحنی به نقطه D رسید. با آغاز دوره مورد بررسی ما، یعنی خلع محمدعلی شاه و پیروزی مردم، منحنی دوباره رو به صعود گذارد و به نقطه E رسید. با اتمام این دوره (۱۹۱۱) و حکومت دیکتاتوری ناصرالملک تعداد روزنامه‌ها به چیزی حدود ارقام قبل از مشروطیت نزول کرد. اگر این روند را تا ۱۹۴۶ دنبال کنیم خواهیم دید که پس از آن مجدداً این تعداد رو به افزایش گذاشت تا به نقطه G در ۱۹۲۵ رسید. با آغاز حکومت دیکتاتوری رضاشاه این روند مجدداً نزول کرد؛ به طوری که طی سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۴۱ (اوج قدرت رضاشاه)، نقاطی دیده می‌شود که مجدداً تعداد روزنامه‌ها به قبل از مشروطیت رسیده است. در مقطع H (سال ۱۹۴۱) پس از اجبار رضاشاه به استعفا و کاهش قدرت حکومت، مجدداً تعداد روزنامه‌ها رو به افزایش گذاشت و در مقطع J، زمانی که حکومت مرکزی دچار ضعف شدیدی بود و در این سو و آن سوی کشور شورش و غائله بر پا بود (پیشه‌وری در آذربایجان، ناصر قشقای در فارس، قاضی محمد در کردستان) و با توجه به این که قوای روسیه علی‌رغم اتمام جنگ جهانی هنوز در خاک ایران به سر می‌برد و حزب توده در حال شکل‌گیری قدرت بود، تعداد روزنامه‌ها مجدداً بسیار افزایش یافت. اگر تحولات مذکور را در امتداد همین نمودار دنبال کنیم، به نقطه K خواهیم رسید که مربوط به دوران انقلاب اسلامی است که در طول تاریخ مطبوعات تا آن زمان سابقه

نداشته است. نقطه L مربوط به آغاز دوران پس از جنگ عراق با ایران است که منحنی، روند رو به رشد خود را آغاز می‌کند.

روند نمودار انتشار روزنامه‌های جدید در ایران در مدت ۱۶۴ سال (۱۸۳۶ تا ۲۰۰۰ میلادی)



در جریان انقلاب اسلامی و در مسیر مراحل ۴ تا ۷ (رودررویی انقلابیون تندرو و نرم رو) که هورتون مطرح کرده و در صفحات قبل به آن اشاره شد، می‌توان انتظار داشت که رودررویی ارتباطی جناح‌ها و احزاب را در روزنامه‌های وابسته به گروه‌های مذکور دید؛ مرحله‌ای که در نمودار ۲ به صورت افزایش فوق العاده روزنامه‌های تازه انتشار فاصله پس از پیروزی انقلاب (بهمن ۵۷) تا شکل‌گیری حوادث کردستان (شهریور ۱۳۵۸) قابل مشاهده است

نمودار شماره ۲- روند انتشار روزنامه‌های جدید در جریان انقلاب اسلامی



نمونه مورد تحلیل

تعریف عملیاتی مطالعه حاضر از جمعیت آماری، شماره اول روزنامه‌هایی بود که در محدوده سرزمین ایران، در دو مقطع زمانی، برای اولین بار منتشر می‌شد. مقطع اول، ۸۹۱ روز فاصله ۲۳ تیرماه ۱۲۸۸ شمسی (۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹) یعنی زمان فرار محمد علی‌شاه قاجار، تا ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ (حمله ارتش روسیه به ایران) و مقطع دوم، ۶۱۵ روز فاصله ۲۶ دیماه ۱۳۵۷ (فرار محمد رضا شاه پهلوی) تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (حمله ارتش عراق به ایران).

فهرست روزنامه‌های مقطع انقلاب اسلامی در خلال روزهای انقلاب تهیه شد. به این ترتیب که در چهار نقطه تهران، هر روز با مراجعه به میز روزنامه فروش‌ها، مشخصات آن‌ها ثبت و خریداری می‌شد. برخی از این روزنامه‌ها، شماره اول دوره

جدید روزنامه‌ای بود که در سال‌های گذشته توقیف و ممنوع‌الانتشار شده بود و بازمانده ناشر، دست به انتشار شماره اول دوره جدید می‌زد و برخی نیز اولین تجربه انتشار روزنامه را می‌آزمود. مجموع اسامی روزنامه‌های خریداری شده، ۲۵۳ مورد بود، اما اسامی ۶۸ روزنامه به دست آمد که نمونه مقطع انقلاب اسلامی را تشکیل داد (محسنیان راد، ۱۳۷۵، صص ۴۷۵-۵۰۵).

برای تهیه فهرست روزنامه‌هایی که شماره اول آن‌ها در مقطع مشروطیت انتشار یافته بود، به منابع متعددی مراجعه شد. کتاب‌هایی همچون فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانه ملی، فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، فهرست میکرو فیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تاریخ مطبوعات ادوارد براون و از این قبیل. در این منابع، گاه برای یک روزنامه، اطلاعات مفصلی عرضه شده و گاه فقط یک اشاره شده بود. مثلاً در کتاب صدر هاشمی هنگام معرفی روزنامه یادگار انقلاب، مطلبی از شماره ۲۷ شعبان ۱۳۲۸ نقل شده بود که در آن انتشار روزنامه تهذیب، به معارف پروران، بشارت داده شده بود.

پس از تهیه فهرست مذکور که مرکب از اسامی ۸۶ روزنامه بود، جستجو برای دسترسی به شماره اول آن‌ها آغاز و برخی از آن‌ها یافت شد. از جمله شماره اول روزنامه تهذیب از میان میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به دست آمد. نتیجه نهایی دستیابی به شماره اول ۱۹ روزنامه بود که نمونه مقطع مشروطیت را تشکیل داد.

روش تحقیق

با نگاه به تعریف کریپندروف از تحلیل محتوا که می‌گوید: «تحلیل محتوا عبارت از یک تکنیک تحقیق به منظور المثنی سازی (Replicable) و دستیابی به نتایج معتبر از داده‌های زمینه و متن» (Krippendroff, 2002: 21) و تکیه بر گفته فیلیپ وبر که تحلیل محتوا می‌تواند تفاوت علایق دو جامعه و یا یک جامعه در دو مقطع را مشخص کند (Weber, 1988: 9) از روش تحلیل محتوا استفاده شد.

در این تحقیق، واحد پیام (message unit)، شماره اول روزنامه منتشر شده در هر یک از دو مقطع، واحد زمینه (context unit)، سرمقاله روزنامه و واحد کدگذاری (coding unit)، واژه یا واژگانی است که نماینده یک ارزش محسوب می‌شود.

برای سنجش روایی عملیات تحلیل، ابتدا به صورت تصادفی، سرمقاله شماره اول روزنامه ای از دوره مشروطیت انتخاب و بازنویسی شد. در خلال بازنویسی به دلیل قدیمی بودن نثر، هرگاه تشخیص داده شد که ممکن است مفهوم واژه برای کدگذار مشخص نباشد، معادل امروزی آن بر پایه فرهنگ معین در میان دو ممیز نوشته و سپس متن مذکور، به طور قراردادی به ۲۰ پاراگراف تقسیم و پاراگراف‌ها شماره گذاری شد. آنگاه متن مذکور همراه با دستورالعملی کتبی حاوی توصیه‌های لازم از جمله تلقی مقاله از مفهوم «ارزش» در اختیار سه کدگذار داور قرار گرفت و از آنان خواسته شد که تعداد و فهرست ارزش‌های مثبت و منفی موجود در مقاله را تعیین کنند. برای تعیین شدت (intensity) از دستورالعمل ریچارد باد استفاده شد که می‌گوید: «شدت تعیین می‌کند که آیا محتوا یا شخصیتی خاص، به طور ملایم با چیزی یا کسی موافق یا مخالف است یا به طور شدید؟ به عبارت دیگر، شدت به قوت یا قدرت زبانی که ما با آن فرد و یا چیزی را تأکید و یا تکذیب می‌کنیم، اطلاق می‌شود». (Budd, 1967: 58). بدین ترتیب، شدت را با نمره ۳ (به مفهوم شدت بالا)، ۲ (شدت متوسط) و ۱ (شدت پایین) مشخص می‌کنند. نتیجه عملکرد سه داور با فرمول ضریب آلفا (Krippendorff, 1990: 130-140) سنجیده شد. ضریب آلفا برای شناخت ارزش‌ها در متن ۰/۸۷ بود که ضریبی کاملاً قابل پذیرش است. در مورد تشخیص جهت مثبت یا منفی ارزش‌های مشترک، هیچ اختلافی دیده نشد (ضریب = ۱). اما در محاسبه آلفا برای تعیین شدت، عدد ۰/۱۶۳ به هیچ وجه قابل پذیرش نبود. این بار از سه کدگذار داور خواسته شد که از مقاله مورد بررسی، چکیده ای تهیه و از درون آن ارزش‌ها را استخراج و شدت را تعیین کنند. آلفای

به آمده عدد ۰/۴۱ بود که نشان می‌داد فهم دقیق مطلب و تعمق بر روی آن تا چه

حد می توانست روایی در داوری شدت را افزایش دهد. کدگذاری‌های همراه با بحث و گفتگو در باره هر سرمقاله به تدریج آلفا را تا حدود ۰/۷ افزایش داد.

ارزش‌ها در مطبوعات دو انقلاب

در فهرست کارکردهای رسانه‌ها، مندرج در مباحث «نظریه‌های ارتباط جمعی» کسب تأیید برای ارزش‌های شخصی (مک کوئیل، ۱۳۸۲: ۱۱۰ و ۱۱۳) و بکارگیری رسانه‌ها در تحکیم و حفظ ارزش‌های مشترک (مک کوئیل، ۱۳۸۲: ۱۱۳) جایگاه خاصی دارد، ضمن آن که مقوله ارزش‌ها در گفتگو و تعامل اجتماعی از طریق رسانه‌ها نیز جایگاه مهمی دارد. اما این نکته نیز روشن است که ارزش‌های منعکس شده در رسانه‌ها، لزوماً، ارزش‌های مطلوب و نامطلوب جامعه نیست.

الف - ارزش‌ها در مطبوعات انقلاب مشروطیت

مفهوم «وطن» ارزشی بود که بیش از هر ارزش دیگری در سرمقاله‌های روزنامه‌های مشروطیت دیده شد؛ به طوری که ۲۱ درصد ارزش‌های مثبت سرمقاله‌های اولین شماره مطبوعات تازه انتشار مشروطیت - که از این پس آن‌ها را مطبوعات مشروطیت می نامیم - حول محور وطن، ایران، ملیت و قومیت می چرخیده است. در داوری شدت، گزارش شد که ۰/۴ درصد با شدت سه، ۲/۲ درصد با شدت دو و ۱۸/۱ درصد با شدت یک ارائه شده بود.

بررسی جدول ۱ نشان می‌دهد که انقلاب مشروطیت با تکیه بر ارزش‌هایی چون وطن پرستی، ملیت و قومیت از یک سو و حفظ حرمت اسلام از سوی دیگر و نیز اعتقاد به آرمان‌هایی چون سعادت، ترقی، تمدن و تجدد، با رویکرد به دو افق «دانش و اندیشه» و «فرنگی، غرب و مغربیان» را برای رسیدن به این آرمان‌ها ارزش می‌دانسته است.

مطبوعات مشروطیت، دستیابی به آرمان‌های انقلاب را در گرو فضایی برخوردار از استقلال، عدالت، آزادی، مساوات، قانون و نیز توجه به فقرا، بینوایان، گرسنگان، یغماشدگان، مظلومین، رنجبران و ستمدیدگان، زارعین، اصناف و حتی تجار و خلاصه عامه و ملت می‌دانسته و دستیابی به این‌همه را با دارالشورا، مجلس و مشروطیت و از طریق اتفاق، اتحاد، مودت و برادری میسر می‌دانسته و حضور قلم، جریده و در نتیجه آگاهی عوام و آگاهی ناس را ضروری می‌دانستند.

در انقلاب مشروطیت، آسایش جمهور، آبادی، رفاه، رفاهیت، ترویج صنایع و تحصیل اسباب زندگی، بیش از تصفیه اخلاق و انتظام دوایر مورد توجه واقع می‌شد. مشروطیت بیزار از بدبختی، عقب‌ماندگی و ویرانی مملکت، با بودن این مسائل و در تبیین علت آن‌ها، جهل، نادانی، ظلمت، غفلت، ساده‌لوحی، سستی، استبداد سلطنت و صاحب‌مسندان و همچنین اعتیاد به تریاک، ترس و مرعوبیت را به عنوان ارزش‌های منفی مقصر می‌دانست و در جستجوی راه، با دو دیدگاه مواجه می‌شد: دیدگاهی که معتقد به طرد عادات کهنه، اصول قدیمه، شرقی و آسیایی بود که در روزنامه‌های مشروطیت در زمینه آن بیشتر تبلیغ شده و دیدگاهی که معتقد به طرد بیگانگان و مخالفت با تجددپروری و تقلید از فرنگ بود؛ آن چنان که گروهی، قباپوش را مثبت ارزش‌گذاری می‌کردند و گروهی، فراق پوش را منفی می‌دانستند (جدول ۲).

چنین به نظر می‌رسد که در انقلاب مشروطیت، این که چه چیزی جهت مثبت دارد روشن‌تر بوده تا اینکه چه چیزی جهت منفی دارد؛ به‌طوری که ارزش‌های با جهت مثبت، بیش از دو برابر ارزش‌های با جهت منفی بوده و ارزش‌های مثبت با شدت ۳، نزدیک به سه برابر و شدت ۲ بیش از یک و نیم برابر ارزش‌های منفی با همین شدت‌ها بوده است.

جدول ۱- ارزش‌های با جهت مثبت در انقلاب مشروطیت

ردیف	مقوله‌های اصلی	شدت بالا	شدت متوسط	شدت پایین	درصد	جمع	نمره
		X=+3	X=+2	X=+1	X=+1	$\sum F$	$\sum fx$
۱	وطن، ملیت، گذشته تاریخی ایران	۳	۱۸	۱۴۶	۲۰/۷	۱۶۷	۱۹۱
۲	ترقی، تمدن، تجدد و گرایش به غرب	۳	۵	۸۱	۱۱/۱	۸۹	۱۰۰
۳	دانش، اندیشه، تخصص	۱	۲	۷۶	۹/۸	۷۹	۸۳
۴	اسلام، دین	-	۱۴	۵۰	۷/۹	۶۴	۷۸
۵	استقلال و آزادی	۳	۱	۵۵	۷/۱	۵۶	۵۸
۶	مطبوعات، آزادی قلم	۲	۶	۴۵	۶/۷	۵۴	۶۶
۷	مشروطیت، قانون	-	۵	۴۳	۶/۲	۵۰	۵۹
۸	جانبازی، شهامت، رزم جو	۱	۱	۴۱	۵/۲	۴۲	۴۳
۹	عامه، ملت، فقرا، محرومان	-	۱	۳۵	۴/۶	۳۷	۴۰
۱۰	بازسازی فرهنگی و اقتصادی	-	۱	۲۱	۲/۷	۲۲	۲۳
۱۱	غرب و مغربیان	-	۲	۱۵	۲/۱	۱۷	۱۹
۱۲	سعادت و نیکبختی	-	-	۱۶	۲/-	۱۶	۱۶
۱۳	اتحاد، دوستی، برادری	۱	۲	۱۲	۱/۹	۱۵	۱۹
۱۴	افراد خاص، به جز بزرگان مذهبی و علمی	-	۱	۷	۱/-	۸	۹
۱۵	شرف و شرافت	-	-	۸	۱/-	۸	۸
۱۶	انقلاب، فتح و پیروزی	-	۲	۵	۰/۹	۷	۹
۱۷	دولت و اولیای امور	-	-	۶	۰/۷	۶	۶
۱۸	مشرق و مشرق زمین	-	-	۶	۰/۷	۶	۶
۱۹	احزاب	-	۱	۲	۰/۴	۳	۴
۲۰	حقیقت و حقیقت جویی	-	-	۲	۰/۲	۲	۲
۲۱	بقیه ارزش‌های مثبت	۱	۱	۵۴	۶/۹	۵۶	۵۷
	جمع	۱۶	۶۲	۷۲۶	۱۰۰	۷۲۶	۱۰۰

جدول ۲- ارزش‌های با جهت منفی در انقلاب مشروطیت

ردیف	مقوله‌های یا زیرگروه‌ها	شدت			جمع		نمره
		بالا X= 3	متوسط X= 2	پایین X= 1	%	$\sum F$	
						$\sum fx$	
۱	بدبختی، فقر، عقب‌افتادگی و توقف	-	۴	۳۰	۱۰/۴	۳۴	۳۸
۲	عادات کهنه، اصول قدیمه، مشرق‌زمین	-	۷	۱۹	۷/۹	۲۶	۳۳
۳	بیگانگان، فرنگی، غربی	۱	۲	۲۲	۷/۶	۲۵	۲۹
۴	جهل، نادانی، ظلمت	-	۴	۱۹	۷/-	۲۳	۲۷
۵	تهاجم، تعدی، ظلم، ظالم	-	-	۱۸	۵/۵	۱۸	۱۸
۶	غفلت، ساده‌لوحی، سستی ...	-	۴	۱۳	۵/۲	۱۷	۲۱
۷	تحمیق عامه، اسارت سخن توقیف مطبوعات	۳	۳	۱۱	۵/۲	۱۷	۲۶
۸	تفرقه، عدم توافق، جدایی مسلک	-	۶	۱۱	۵/۲	۱۷	۲۳
۹	استبداد، مستبدین	-	۲	۱۴	۴/۹	۱۶	۱۸
۱۰	دربار، شاه مخلوع، سلطنت	-	۱	۹	۳/-	۱۰	۱۱
۱۱	افراد خاص	-	-	۱۰	۳/-	۱۰	۱۰
۱۲	دولت، صاحب‌مسندان، بی‌برنامگی دولت	-	۲	۷	۲/۷	۹	۱۱
۱۳	گروه‌ها و آدم‌ها	-	۱	۸	۲/۷	۹	۱۰
۱۴	فساد، مفاسد، شهوت، شهوترانی	-	۲	۶	۲/۴	۸	۱۰
۱۵	ثروتمندان، سرمایه‌داران	-	-	۷	۲/۱	۷	۷
۱۶	تریاک	۱	۱	۴	۱/۸	۶	۹
۱۷	سردرگمی و پریشانی	-	-	۵	۱/۵	۵	۵
۱۸	وطن‌فروشی	-	-	۵	۱/۵	۵	۵
۱۹	ملاهای ...	-	۱	۳	۱/۲	۴	۵
۲۰	بی‌دینی	-	-	۴	۱/۲	۴	۴
۲۱	توحش، وحشیگری	-	-	۳	۱/-	۳	۳
۲۲	بقیه ارزش‌های منفی	۱	۱	۴۹	۱۵/۵	۵۱	۵۴
	جمع	۶	۴۱	۲۸۱	۱۰۰	۳۲۸	۳۸۱

نتایج بررسی ارزش‌های مثبت و منفی مطبوعات مشروطیت نشان می‌دهد که برای ارزش‌گذاران آن روزگار، همان قدر که وطن، ملیت و تاریخ پر افتخار گذشته، گرمی و ارزشمند بوده بدبختی، فلاکت و فقر، جهل و نادانی، بار منفی داشته است و در این مقوله‌ها نوعی هم عقیده‌ای دیده می‌شده است. اما آن چه نمایی از تضاد ارزش‌های آن مقطع را نشان می‌دهد، مربوط به تجدد، فرنگی و غربی بوده است. دیده شد که وطن در ۵۰ درصد مقالات، ترقی در ۳۵ درصد و تمدن در ۲۵ درصد مقالات، ارزش مثبت بود. در حالی که ارزش تجدد فقط در ۱۵ درصد مقالات وجود داشت. در عوض تجدد به اندازه وطن شدت سه داشت. به عبارت دیگر، غرب‌گرایی و تجدد از سوی گروهی از منابع ارزش‌گذاری می‌شده است، نه اکثر منابع.

در برخی سرمقاله‌ها ضمن ارزش‌گذاری برای غرب و غربی، استقلال کشور را نیز ارج می‌نهند و یا ضمن آن که تربیت فرنگی را ارزش می‌دانستند مستشار را نفی می‌کردند. به عنوان مثال در سرمقاله شماره اول روزنامه بهار آمده «... ما به مردم تربیت شده فرنگستان نهایت اطمینان را داریم...» و در همین سرمقاله در جای دیگر نوشته شده «چگونه می‌توانیم قسم بخوریم که مستشارها دلشان برای مملکت ما بیشتر از وزرای محبوب ما می‌سوزد» و یا در سرمقاله نخستین شماره روزنامه شرق می‌خوانیم «سومین مقصود روزنامه شرق این است که به اندازه‌ای که قوه دارد در استقلال وطن مقدس که ناموس و شرف است کوشیده، ملت را به حفظ وطن که بزرگترین طاعت است ترغیب نموده به ترقی و اعتلای آن تشویق کند...». در همین سرمقاله در جای دیگر آمده: «باید بکلی اصول سابقه را ترک کرده طومار عادات کهنه و دفتر بدعت‌های پوسیده را پاره نمود و همان راهی را که برای ترقی مدارج و علوم و فنون، معلم بزرگ سیاست، اروپا نشان داده پیمود».

ب - ارزش‌ها در مطبوعات انقلاب اسلامی

فضای رسانه‌ای دوران انقلاب اسلامی با فضای رسانه‌ای انقلاب مشروطیت متفاوت بود. در فضای اخیر، وجود شبکه‌های رادیو و تلویزیونی گسترده اما دولتی، برخورداری شبکه اجتماعی (social network) به ویژه در شهرها از امکانات گسترده تلفن و امکانات تکثیر نوار کاست و زیراکس و پلی کپی، در کنار توسعه کمی و کیفی صنعت چاپ - نسبت به ۷۰ سال قبل - سپهر ارتباطات را متفاوت کرده بود.

پس از رفتن محمد رضا شاه که در واقع نخستین پیروزی توده مردم در انقلاب اسلامی بود، جامعه، تشنه آن بود که بداند چه خواهد شد. همان قدر که نیازمند کسب خبر درباره رویدادهای انقلاب بود، می‌خواست از شرایط و پیامدهای آن نیز آگاه شود، در واقع شرایط انقلابی باعث شده بود که میزان ارتباطات میان‌فردی و گروهی، بسیار افزایش یابد. افراد تمایل داشتند که از طریق این ارتباطات، از یک سو به مبادله نظر بپردازند و از سوی دیگر گروه‌های فکری متناسب با خود را بیابند و تأمین چنین نیازهایی از طریق رادیو و تلویزیون، چه قبل از ۲۲ بهمن و چه پس از آن، امکان‌پذیر نبود. علت این امر، سوای تفاوت ماهیت رادیو و تلویزیون با روزنامه (روزنامه رسانه‌ای تکثر پذیرتر است تا رادیو و به ویژه تلویزیون) زیرا رادیو و تلویزیون ایران در اختیار گروه حاکم بود. بنابراین، به زودی روزنامه جای خود را در این فضا باز کرد. پس از ۲۲ بهمن و پیروزی انقلاب، مرحله‌ای آغاز شد که پائول هورتون در مبحث «سیکل انقلاب‌ها» از آن با عنوان رقابت میان گروه‌های انقلاب برای دستیابی به قدرت یاد کرده است. در این مرحله، به تدریج میان انقلابیون اختلاف روی داد و گروه‌ها و دستجات فکری مختلف، از طریق انتشار روزنامه که به فناوری بسیار ساده‌تری از رادیو و تلویزیون نیاز داشت توانستند به یک وسیله ارتباط جمعی اختصاصی که عملاً با هر بودجه‌ای امکان انتشار داشت دست یابند؛ ضمن آن که می‌شد تمامی یا قسمتی از هزینه انتشار آن را از طریق فروش یا کمک‌های گروهی جبران کرد.

از ۲۵۳ عنوان روزنامه تازه انتشار انقلاب اسلامی، ۱۵۳ روزنامه (۶۰/۴ درصد) مربوط به گروه‌ها و احزاب و سازمان‌ها بود و ۱۰۰ روزنامه (۳۹/۶ درصد) به اصطلاح مستقل بودند (در انقلاب مشروطیت، این نسبت‌ها دقیقاً معکوس بود؛ یعنی ۳۹/۶ درصد مربوط به گروه‌ها و احزاب، ۱۹ درصد حزب دموکرات، ۷ درصد اعتدالیون، ۳/۴ درصد اتحاد و ترقی و ۱۰/۲ درصد انجمن‌ها و...).

بررسی ارزش‌های جستجو شده در اولین شماره روزنامه‌های مقطع مورد بررسی در انقلاب اسلامی حاکی از آن است که مقوله اسلام، امام، دین و مذهب، بزرگترین گروه محسوب می‌شده است، به طوری که ۱۷/۸ درصد از کل ارزش‌های مثبت انقلاب اسلامی، حول محور اسلام، امام، دین و مذهب می‌چرخیده است (۰/۳۲ درصد با شدت سه، ۳/۹ درصد با شدت دو و ۱۳/۶ درصد با شدت یک). جدول‌های ۳ و ۴ نشان می‌دهند که جامعه ایران، به هنگام پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن، با نفرتی عمیق از امپریالیسم، استعمارگران و بیگانگان و نیز بیزاری از شاه، سلطنت پهلوی و رژیم شاهنشاهی و با درک همبستگی میان شاه و بیگانگان و در آرزوی آزادی، به سوی اسلام پناه برده و به صورت یک آرمان به آن تکیه می‌کند. این اسلام، بیشتر کاربردی است تا سنتی. جامعه ایران، این اسلام را اسلام اصیل و اسلام خمینی می‌داند. آن را مکتب انقلابی اسلام می‌گوید و به نظرات اجتماعی، نظرات فلسفی، موازین، ارزش‌ها و آرمان‌ها، سنت‌های اجتماعی، اخلاق، بینش، تعلیمات، نهادها، عدالت و آزادی اسلامی روی می‌آورد و از روح انترناسیونالیستی اسلام و جهان بینی اسلامی به صورت ارزش با جهت مثبت سخن می‌گوید. او برای رهبر انقلاب خود صفاتی چون کبیر، بت‌شکن، سازش ناپذیر، آهنین اراده، دلسوز، پاک‌نهاد و نورانی را برمی‌شمارد و رهبر را ابرمرد مقدس و مسیح قرن بیستم می‌نامد و در کنار آن، از کاخ عظیم معنویت، انسان خداگونه، تجلیات عرفانی، تقوا، توکل، جهاد مقدس، جهاد اکبر، معجزه و مرگ ملکوتی سخن می‌راند.

در انقلاب اسلامی، پس از اسلام، مردم، ملت، زحمت‌کشان، مستضعفان، ستم‌دیدگان، محرومان، دهقانان، فقرا، گرسنگان، پابرنه‌ها، خلق و امت قرار دارند. در

جریان انقلاب اسلامی، جامعه برای انقلابش ارزش خاصی قائل است؛ پیروزی انقلاب و دستاوردهای آن و هوشیاری انقلابی را ارج می‌نهد. با مشخص بودن دشمن، یعنی امپریالیسم و رژیم سلطنتی و با مشخص بودن آرمان، یعنی اسلام و اندیشه‌های امام و با ارج نهادن بر مستضعفان و محرومان و با نفرت از تعدی، ظلم و سانسور و اغفال مردم، وسیله دستیابی به استقلال، برابری و عدالت را مبارزه و شهادت می‌داند.

در انقلاب اسلامی، به تدریج حضور احزاب و گروه‌های متضاد و متنوع، جامعه را دچار نوعی سردرگمی می‌کند؛ به طوری که حتی به ارزش‌گذاری منفی نسبت به عضویت حزبی و تمایلات گروهی روی می‌برد؛ ضمن آن که وارد شرایطی می‌شود که حضور گسترده وسایل ارتباط جمعی او را از لحظه لحظه رویدادهای پس از پیروزی آگاه می‌کند.

در این دوران، ارزش‌هایی که با جهت منفی مطرح می‌شد بسیار متنوع‌تر از مقوله‌هایی بود که مجموعه ارزش‌های با جهت مثبت را تشکیل می‌داد.

جدول ۳ - ارزش‌های مثبت در انقلاب اسلامی

جمع			+۱	+۲	+۳	گروه‌ها	ردیف
$\sum fx$	$\sum f$	%	X=1	X=2	X=3		
۵۵۹	۴۴۶	۱۷/۸	۳۴۱	۹۷	۸	اسلام، دین امام و ...	۱
۴۰۱	۳۴۲	۱۳/۶	۲۹۱	۴۳	۸	مردم، خلق، کارگران و ...	۲
۳۴۵	۳۰۶	۱۲/۰	۲۶۱	۳۳	۶	انقلاب، قیام، جنبش و ...	۳
۳۳۲	۲۸۷	۱۱/۴	۲۴۵	۳۹	۳	مبارزه، پیکار، نبرد، شهادت، جانبازی	۴
۲۰۴	۱۷۸	۷/۱	۱۵۸	۱۴	۶	بیان حقیقت، روزنامه، آزادی، ارتباط	۵

۶	استقلال، برابری، آزادی، عدالت	۴	۱۴	۱۴۰	۶/۳	۱۵۸	۱۸۰
۷	ایران، وطن، ملیت، گذشته تاریخی ایران	۳	۲۴	۱۱۶	۵/۷	۱۴۳	۱۷۳
۸	بازسازی فرهنگی و بازسازی اقتصادی کشور	۳	۸	۹۶	۴/۳	۱۰۷	۱۲۱
۹	جمهوری، حاکمیت مردم، دموکراسی و ...	۸	۹	۸۶	۴/۱	۱۰۳	۱۲۸
۱۰	اتحاد، وحدت، همبستگی	۲	۱۱	۷۳	۳/۴	۸۶	۱۰۱
۱۱	احزاب و گروه‌های سیاسی	۳	۱۴	۶۱	۳/۱	۷۸	۹۸
۱۲	اندیشه، دانش، دانشمند	-	۲	۴۶	۱/۹	۴۸	۵۰
۱۳	افراد خاص	-	۲	۳۳	۱/۴	۳۵	۳۷
۱۴	ترقی، تمدن، پیشرفت	-	۲	۲۰	۰/۹	۲۲	۲۴
۱۵	اقوام و مناطق کشور	۳	۱	۱۸	۰/۹	۲۲	۲۹
۱۶	حقیقت و حقیقت‌بینی	۱	-	۶	۰/۳	۷	۹
۱۷	دولت موقت	۱	-	۳	۰/۱	۴	۶
۱۸	شرف و شرافت	-	-	۴	۰/۱	۴	۴
۱۹	ملل مشرق زمین	-	-	۳	۰/۱	۳	۳
۲۰	سعادت	-	-	۳	۰/۱	۳	۳
۲۱	بقیه ارزش‌های مثبت	۴	۴	۱۱۵	۵/۰	۱۲۳	۱۳۵
	جمع	۶۳	۳۱۷	۲۱۲۹	۱۰۰	۲۵۰۹	۲۹۵۲

جدول ۴- ارزش‌های منفی در انقلاب اسلامی

ردیف	گروه‌ها	+۳	+۲	+۱	جمع		
		X=3	X=2	X=1	%	$\sum f$	$\sum fx$
۱	امپریالیست، استعمارگران، وابستگی	۷	۱۹	۲۵۸	۱۸/۰	۲۸۴	۳۱۷
۲	شاه، پهلوی، سلطنت و نظام شاهنشاهی	۱	۵۳	۱۳۷	۱۲/۱	۱۹۱	۲۴۶
۳	تعدی، ظلم، ظالم، اسارت و بندگی	۳	۴	۱۲۴	۸/۳	۱۳۱	۱۴۱
۴	اسارت سخن، توقیف مطبوعات، اغفال مردم	۳	۱۷	۹۶	۷/۴	۱۱۶	۱۳۹
۵	احزاب، گروه‌ها و عضویت حزبی	۲	۱۶	۷۴	۵/۹	۹۲	۱۱۲
۶	برخی از طبقات	۱	۸	۶۴	۴/۶	۷۳	۸۳
۷	سرمایه‌داری، سودجویی	-	۴	۵۵	۳/۷	۵۹	۶۳
۸	استبداد، دیکتاتوری، مستبدان	-	۶	۵۳	۳/۷	۵۹	۶۵
۹	بدبختی، مشکلات اقتصادی	-	۵	۵۱	۳/۶	۵۶	۶۱
۱۰	بیکاری، سردرگمی (پس از انقلاب)	۴	۳	۴۶	۳/۴	۵۳	۶۴
۱۱	ضدانقلاب، انقلابی نمایان	۲	۳	۳۰	۲/۲	۳۵	۴۲
۱۲	افراد خاص (ایرانی و خارجی)	-	۵	۳۱	۲/۳	۳۶	۴۱
۱۳	تفرقه و اختلاف گروهی و حزبی	۵	۶	۲۳	۲/۲	۳۴	۵۰
۱۴	بی‌دینی، شیطان و متظاهران به اسلام	-	۲	۳۰	۲/۰	۳۲	۳۴
۱۵	دولت موقت برنامه‌های دولت وابستگان انقلاب	۳	۴	۲۶	۲/۰	۳۳	۴۳
۱۶	روسپی‌گری، قمار، مشروب و سایر مفاسد	۱	۱	۲۴	۱/۷	۲۶	۲۹
۱۷	سازمان‌های جاسوسی خارجی و داخلی	-	۱	۱۸	۱/۲	۱۹	۲۰
۱۸	رفراندوم و قانون اساسی	۱	۳	۱۳	۱/۱	۱۷	۲۲
۱۹	اقدام بر علیه خلق، کارگران...	۱	۴	۱۱	۱/۰	۱۶	۲۲
۲۰	انحطاط فرهنگی، آسیب‌های فرهنگی	-	-	۱۴	۰/۹	۱۴	۱۴
۲۱	بی‌عدالتی، نابرابری، برابری	۱	۲	۹	۰/۸	۱۲	۱۶
۲۲	جنگ داخلی، تجزیه ایران	-	۲	۹	۰/۷	۱۱	۱۳
۲۳	ارتش و بی‌نظمی ارتش	-	۲	۸	۰/۶	۱۰	۱۲

۸	۸	۰/۵	۸	-	-	ساده لوحی، ساده اندیشی	۲۴
۹	۸	۰/۵	۷	۱	-	کاغذبازی، تشکیلات اداری	۲۵
۸	۸	۰/۵	۸	-	-	دشمن، دشمنان	۲۶
۹	۷	۰/۴	۵	۲	-	یورش به دموکراسی	۲۷
۱۰	۷	۰/۴	۵	۱	۱	جهل، نادانی، ظلمت	۲۸
۱۰	۷	۰/۴	۵	۱	۱	ناآگاهی، نادانی	۲۹
۵	۵	۰/۳	۵	-	-	دموکراسی	۳۰
۴	۴	۰/۳	۴	-	-	تضعیف دولت، کارشکنی در دولت	۳۱
۵	۳	۰/۲	۲	-	۱	مرگ فرهنگ ملی	۳۲
۱۲۴	۱۰۹	۶/۹	۹۷	۹	۳	بقیه ارزش های منفی	۳۳
۱۸۴۰	۱۵۷۵	۱۰۰	۱۳۵۱	۱۸۳	۴۱	جمع	

ج - مقایسه ارزش های مطبوعات انقلاب اسلامی با انقلاب مشروطیت

برای مقایسه ارزش های تبلیغ شده در مطبوعات آغاز هر دو انقلاب، لازم بود نتایج حاصل هم تراز شود. برای اجرای این هم تراز، هر یک از جهت گیری های با شدت های ۳، ۲ و ۱ (Xها) در فراوانی هر ارزش (Fها) ضرب و نتیجه به صورت $\sum fx$ ثبت شد. سپس با اعمال ضریب مناسب مجموع $\sum fx$ انقلاب مشروطیت به ۴۸۶۷ رسید که معادل مجموع به دست آمده از انقلاب اسلامی بود. نتیجه این محاسبات در جدول ۵ آمده است.

به موجب کای اسکویر حاصل از مقایسه دو انقلاب، با ۹۹/۹۵ درصد اطمینان، میزان گرامی داشت یا نفی ارزش های مختلف در دو مقطع انقلاب اسلامی و انقلاب مشروطیت با یکدیگر تفاوت داشته است (کای اسکویر برای ارزش های با جهت گیری مثبت، ۱۶۹۸ با درجه آزادی ۲۱ و جهت گیری منفی ۹۶۹، درجه آزادی ۳۱) حدود ۷۱ درصد ارزش های مشروطیت، جهت گیری مثبت و ۲۹ درصد، جهت گیری منفی داشته؛ در حالی که www.SID.ir نسبت ها در انقلاب اسلامی به ترتیب ۶۱ و ۳۹ درصد بوده است. در واقع در

انقلاب اسلامی، بیش از انقلاب مشروطیت به ارزش‌های منفی توجه شده و انقلاب اسلامی بیشتر از انقلاب مشروطیت متمرکز بر بیان نخواست‌ها بوده تا خواسته‌ها.

در انقلاب اسلامی، سهم ارزش‌های مثبت معطوف به اسلام، دین و مذهب در رتبه اول (۱۱/۵ درصد) و در مشروطیت، وطن و ملیت در رتبه اول (۱۴/۷ درصد) قرار داشته است. در انقلاب اسلامی، نفس انقلاب و مبارزه و جانبازی به مراتب بیش از مشروطیت، گرامی بوده و انقلاب اسلامی به فقرا، محرومان و مستضعفان و احزاب و تشکل‌های سیاسی بیش از مشروطیت توجه داشته است.

انقلاب اسلامی به مراتب بیش از مشروطیت به نفی شاه و نظام شاهنشاهی پرداخته و بیش از مشروطیت، رویکردی ضد غربی و نگاهی منفی به تعدی و ظلم داشته، اما بیش از مشروطیت، سردرگم ادامه راه بوده است.

در انقلاب اسلامی، پراکندگی‌های جهت‌گیری‌های منفی بسیار بیش از انقلاب مشروطیت بوده و فقط جز یک مورد که سهم آن ۲/۳ درصد بوده، در بقیه موارد با کمتر از یک درصد مطرح شده که در انقلاب مشروطیت، وجود نداشته است.

انقلاب مشروطیت به مراتب بیش از انقلاب اسلامی در جستجوی ترقی و پیشرفت و بیش از انقلاب اسلامی نگاه مثبت به دانش و تخصص و بیش از انقلاب اسلامی خواستار حکومت قانون و بیش از انقلاب اسلامی با جهل و نادانی ضدیت داشته است.

در مشروطیت، تضاد ارزش‌ها برای ترقی، تجدد و تمدن در کنار فرنگی، غرب و مغربیان، نمود بیشتری داشت و عامل این تضاد نیز گرایش حزب اتحاد و ترقی به این دو مقوله بود. در انقلاب اسلامی، تضادی در آن حد دیده نمی‌شد؛ ولی تفاوت‌ها چشمگیر بود. مثلاً ۵۶ درصد ارزش گذاری مثبت برای رهبری انقلاب، در روزنامه‌های گروه‌های اسلامی و فقط ۱/۳ درصد در گروه‌های چپ بود. در عوض گروه‌های چپ، به مبارزه و جانبازی و گروه‌های ملی گرا، به ایران، وطن و ملیت توجه بیشتری داشتند.

جدول ۵ - مقایسه ارزش‌های دو انقلاب

نمرات هم‌تراز شده				ارزش‌ها	ردیف
انقلاب اسلامی		انقلاب مشروطیت		الف - جهت‌گیری‌های مثبت (ارزش‌های +)	
۱۷۳	۳/۵۶	۷۱۴	۱۴/۶۷	وطن، ملیت	۱
۲۴	۰/۴۹	۳۷۴	۷/۶۸	ترقی، پیشرفت، تمدن	۲
-	-	۷۱	۱/۴۶	غرب و مغربیان	۳
۵۰	۱/۰۳	۳۱۰	۶/۳۷	دانش، دانشمند و متخصص	۴
۵۵۹	۱۱/۴۹	۲۹۲	۶/۰۰	اسلام، دین، مذهب	۵
۱۸۰	۳/۷۰	۲۱۷	۴/۴۶	استقلال، آزادی، عدالت	۶
۲۰۴	۴/۱۹	۲۴۷	۵/۰۸	مطبوعات، آزادی قلم	۷
۱۲۸	۲/۶۳	۲۲۱	۴/۵۴	حکومت قانون (مشروطیت، جمهوری)	۸
۳۳۲	۶/۸۲	۱۶۱	۳/۳۱	مبارزه، جانبازی، شهادت	۹
۴۰۱	۸/۲۴	۱۵۰	۳/۰۸	عامه، ملت، فقرا و محرومان	۱۰
۱۲۱	۲/۴۹	۸۶	۱/۷۷	بازسازی فرهنگی و اقتصادی	۱۱
۳	۰/۰۶	۶۰	۱/۲۳	سعادت و نیکبختی	۱۲
۱۰۱	۲/۰۸	۷۱	۱/۴۶	اتحاد، دوستی و برادری	۱۳
۳۷	۰/۷۶	۳۴	۰/۷۰	افراد خاص (به جز بزرگان مذهبی و علما)	۱۴
۴	۰/۰۸	۳۰	۰/۶۲	شرف و شرافت	۱۵
۳۵۵	۷/۲۹	۳۴	۰/۷۰	انقلاب، فتح و پیروزی	۱۶
۶	۰/۱۲	۲۲	۰/۴۵	دولت و اولیای امور	۱۷
۳	۰/۰۶	۲۲	۰/۴۵	مشرق و مشرق زمین	۱۸

۹۸	۲/۰۱	۱۵	۰/۳۱	احزاب و گروه‌های سیاسی	۱۹
۹	۰/۱۹	۱۹	۰/۴۰	حقیقت و حقیقت‌جویی	۲۰
۲۹	۰/۶۰	-	-	اقوام و مناطق کشور	۲۱
۱۶۰	۳/۲۹	۲۹۲	۶۱	بقیه ارزش‌های مثبت	۲۲
۲۹۷۷	۶۱/۱۷	۳۴۴۲	۷۰/۷۲	جمع ارزش‌های با جهت‌گیری مثبت	
انقلاب اسلامی		انقلاب مشروطیت		ب- جهت‌گیری‌های منفی (ارزش‌های -)	
نمرات هم‌تراز شده				ارزش‌ها	ردیف
۶۱	۱/۲۵	۱۴۲	۲/۹۲	بدبختی، فقر، عقب‌افتادگی، توقف	۲۳
۹	۰/۱۹	۱۲۳	۲/۵۳	عادات کهنه، اصول قدیمه	۲۴
-	-	۳۴	۰/۷۰	مشرق زمین	۲۵
۳۱۷	۶/۵۱	۱۰۸	۲/۲۲	بیگانگان، فرنگی، غربی	۲۶
۱۰	۰/۲۱	۱۰۱	۲/۰۸	جهل، نادانی، ظلمت	۲۷
۱۴۱	۲/۹۰	۶۷	۱/۳۸	تهاجم، تعدی، ظلم، ظالم	۲۸
-	-	۷۸	۱/۶۰	ساده‌لوحی، سستی	۲۹
۱۳۹	۲/۸۶	۹۷	۱/۹۹	تحمیق عامه، اسارت سخن، توقیف مطبوعات	۳۰
۵۰	۱/۰۳	۸۶	۱/۷۷	تفرقه، عدم توافق، جدایی مسلک	۳۱
۶۵	۱/۳۴	۶۷	۱/۳۸	استبداد، مستبدین	۳۲
۲۴۶	۵/۰۵	۴۱	۰/۸۴	دربار، شاه مخلوع، سلطنت	۳۳
۴۱	۰/۸۴	۳۱	۰/۶۴	افراد خاص	۳۴
۸۳	۱/۷۱	۳۱	۰/۶۴	گروه‌ها و طبقات	۳۵

۴۳	۰/۸۸	۴۱	۰/۸۴	دولت موقت و وابستگان به انقلاب	۳۶
۲۹	۰/۶۰	۳۱	۰/۶۴	فساد، مفاسد، شهوت‌رانی	۳۷
۶۳	۱/۲۹	۲۴	۰/۴۹	ثروتمندان، سرمایه‌داران	۳۸
-	-	۳۴	۰/۷۰	تریاک و اعتیاد	۳۹
۶۴	۱/۳۲	۱۹	۰/۳۹	سردرگمی، پریشانی	۴۰
-	-	۱۹	۰/۳۹	وطن‌فروشی	۴۱
-	-	۱۹	۰/۳۹	ملاهای	۴۲
۳۴	۰/۷	۱۵	۰/۳۱	بی‌دینی	۴۳
-	-	۱۱	۰/۲۳	توحش و وحشی‌گری	۴۴
۱۱۲	۲/۳۰	-	-	احزاب و گروه‌ها و عضویت حزبی	۴۵
۴۲	۰/۸۶	-	-	ضدانقلاب، انقلاب‌نمایان	۴۶
۲۰	۰/۴۱	-	-	فعالیت‌های جاسوسی خارجی و داخلی	۴۷
۲۲	۰/۴۵	-	-	رفراندم و قانون اساسی	۴۸
۲۲	۰/۴۵	-	-	اقدام علیه خلق، کارگر	۴۹
۱۴	۰/۲۹	-	-	انحطاط فرهنگی، آسیب‌های فرهنگی	۵۰
۱۶	۰/۳۳	-	-	بی‌عدالتی، نابرابری، برابری	۵۱
۱۳	۰/۲۷	-	-	جنگ داخلی، تجزیه ایران	۵۲
۱۲	۰/۲۵	-	-	ارتش و بی‌نظمی در ارتش	۵۳
۱۸۲	۳/۷۴	۲۰۶	۴/۲۳	بقیه ارزش‌های منفی	۵۴
۱۸۹۰	۳۸/۸۳	۱۴۲۵	۲۹/۲۸	جمع ارزش‌های با جهت‌گیری منفی	
۴۸۶۷	۱۰۰	۴۸۶۷	۱۰۰	جمع پس از هم‌ترازی ارزش‌های تبلیغ شده در انقلاب مشروطیت با انقلاب اسلامی	

د- جمع‌بندی و نتیجه

جامعه ایران به فاصله ۷۰ سال در شرایط دو انقلاب گرفت. در هر دو انقلاب، به یکباره روزنامه‌های جدیدی منتشر شد؛ با این تفاوت که سهم روزنامه‌های احزاب و گروه‌ها در انقلاب اسلامی به مراتب بیش از انقلاب مشروطیت بود.

سرمقاله‌های اولین شماره روزنامه‌های هر دو مقطع، آینه‌ای از ارزش‌های مثبت و منفی بود؛ با این تفاوت که در انقلاب مشروطیت، در پاسخ به این سوال که چه چیزی تا چه حد بد است، اختلاف بیشتری نسبت به انقلاب اسلامی وجود داشت. در انقلاب مشروطیت، شیفتگی به تجدد غربی مشهود بود. اما انقلاب اسلامی، شاید به دلیل تجربه تلخ تجدد خواهی غربی و دست نیافتن به هدف‌های انقلاب پیشین، یک انقلاب ضد غربی و به عبارتی ضد امپریالیستی بود.

در مشروطیت، تضاد ارزش‌ها برای ترقی، تجدد و تمدن در کنار فرنگی، غرب و مغربیان نمود بیشتری داشت و عامل این تضاد نیز گرایش حزب اتحاد و ترقی به این دو مقوله بود. در انقلاب اسلامی، تضادی در آن حد دیده نمی‌شد؛ ولی تفاوت‌ها چشمگیر بود. مثلاً ۵۶ درصد ارزش گذاری مثبت برای رهبری انقلاب، در روزنامه‌های گروه‌های اسلامی و فقط ۱/۳ درصد در گروه‌های چپ بود.

در انقلاب مشروطیت، در مورد ارزش مثبت دانستن دانش، دانشمند و تخصص، اختلافی نبود و در انقلاب اسلامی، در مورد پایین بودن سهم این ارزش‌ها اختلافی وجود نداشت. شاید علت این امر، رابطه دیرینه‌ای بود که میان این ارزش‌ها و غرب وجود داشت و در واقع منفی دانستن غرب، منفی دانستن دانش و تخصص را با خود همراه کرد؛ تضادی که تا سال‌ها پس از انقلاب اسلامی در باب رتبه تخصص در کنار رتبه تعهد، مطرح بود.

در انقلاب اسلامی، همه گروه‌ها در نگاه منفی به شاه و نظام سلطنتی توافق داشتند، در حالی که در مشروطیت، نگاه منفی نسبت به سلسله قاجار بود، نه نظام سلطنتی؛ آن

چنان که شاهان باستان و شکوه و عظمت گذشته آنان برای ملت تحقیر شده آن روزگار ایران، ارجمند بود.

اگر در انقلاب اسلامی، امپریالیست و بیگانگان شرق و غرب منفی بودند، در مشروطیت، فقر، عقب ماندگی و بدبختی، منفی بود.

در هر دو انقلاب در مورد آن که چه چیزی بد و نامطلوب است، توافق بیشتری از چه چیزی خوب و مطلوب است وجود داشت؛ با این تفاوت که تعدد و تنوع ارزش‌های منفی در انقلاب اسلامی، به مراتب بیش از انقلاب مشروطیت بود.

به نظر می‌رسد که در انقلاب مشروطیت، هدف و وسیله کم و بیش منفک بود. در مشروطیت نیک بختی و رفاه، هدف بود و به طور نسبی، اکثریت تجدد را وسیله می‌دانستند؛ در حالیکه در انقلاب اسلامی هدف اسلام و وسیله نیز اسلام بود.

منابع

- ادیبی، حسین و عبدالمعبود انصاری (۱۳۵۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات جامعه.
- اینکلس، الکس (۱۳۵۶). جامعه‌شناسی چیست؟ ترجمه مشفق همدانی. تهران: سیمرغ.
- باتومور، تی. بی (۱۳۵۶). جامعه‌شناسی. از مجموعه جامعه و اقتصاد. ترجمه سید حسن منصور. چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۰). فلسفه و جامعه‌شناسی. ترجمه فرحناز خمسه‌ای. تهران: مرکز ایرانی مطالعات فرهنگی.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۵). انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه‌های ارتباط جمعی. تهران: مرکز

مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- Budd, Richard W. and Robert K. Thorp and Lewis Donohew (1967)
New York: Macmillan Co.

- Burton, Michael G (1990) . "A New Elite Framework for Political
Sociology." *Revue europeenne des sciences sociales*.

- Ferrante ,Joan (2008). "Sociology: A Clobal Perspective". Seven
Edition. United States: Thomson.

- Gillin, J. L. and J.P. Gillin (1958) *Cultural Sociology*. New York:
Good William.

- Goode, William J. (1966) *The Dynamics of Modern Society*. New
York: Atherton Press

- Hiller, E. T. (1947) *Sociology Relation and Structures: A Study in
Principles of Sociology*. New York: Hogvelt

- Hofstede, .",G.,2001,"*Culture's Consequence: Comparing Values,
Behaviors, Institutions, and Organization Across Nations*, 2nd ed. Osaka:
Sage.

- Horton, Paul B. and Chester L. Hunt (1968) *The Sociology of
Sociology Problems*. Prentice Hall.

- Huntington, Samuel P. (1968) *Political Order in Changing Societies*.
London: Yale University.

- Krippendorff, Kimberly A. (2002) *Content Analysis. Guidebook*.
London: Sage.

- Lappier, R. T. (1946) *Sociology*. New York: Mack, Raymond, W.

- Lundberg, L. (1947) *Can Science Save Us?*. New York: Mack Raymond.
- Myers, G. and M. Myers (1958) *The Dynamic*.
- Parker, Dewith, H. (1957) *The Philosophy of Value*. Michigan: The University of Michigan.
- Parsons T. (1951) *The Social System*. Glenvoe: The Free Press.
- Pepper, Stephen C. (1958) *The Sources of Value*. Berkely: University
- Perry, Ralph B. (1954) *Realms of Value. A Critique of Human Civilization*. Cambridge: Mass Havard University Press.
- Rescher, Nicholas (1969) *Introduction to Value Theory*. New Jersey: prentice Hall.
- Roucek J. S. and P. R. Warren (1951) *Sociology. An Introduction*. Iowa: Ames Santayana.
- Schaefer, Richard T. (1983) *Sociology*. New York: Mc Graw Hill Co.
- Shepard, Jon M. (2007) *"Sociology. Ninth Edition*. United States: Thoson.
- Sullivan, Tim O', John Hartley, Dan (1994) *"Key Concepts in Communication and Cultural Studies"*. Second Edition. London: Sage.
- Weber, Robert Philip (1988) *Basic Content Analysis*. In Series of Quantitative Applications in the Social Science. London: Sage.
- Willem S. Emilio (1970) *Dictionnaire de Sociologie* . Paris: Librairie Marcel Riviere et Cie.
- Williams J. R. M. (1956) *American Society*. New York: Knopf.
- Young, K. (1949) *Sociology. A Study of Society and Culture*. New York.